



An Analysis of the Preschool Teachers' Lived Experiences of Current Processes in Monotheistic Education During the Sovereignty Period

Fatemeh Salimi¹, Susan Bahrami^{*2}

Doi:

10.30497/esi.2025.246804.1821



Abstract

This research aimed to investigate the current processes of monotheistic education in preschool centers. This qualitative research employed a descriptive phenomenological approach, focusing on preschool teachers from the fourth district of Qom City, Iran. Thirteen teachers were selected through purposive sampling based on data saturation criteria and information repetition. Data were collected through semi-structured interviews, with the interview framework developed based on a content analysis of existing literature on the cognitive, affective, and practical dimensions of monotheistic education. The collected data were analyzed using SHANNON and MAXQDA (version 20) software. The findings indicated that, in the cognitive dimension, key factors included using child-friendly language and literature to introduce the concept of God. Parents and teachers also acted as important role models in shaping the child's relationship with God. In the affective dimension, fostering curiosity and inquiry, along with the influence of parental and teacher affection on the child's connection with God, were emphasized. In the practical dimension, aligning activities with children's interests and promoting their independence were most frequently applied. Thus, the sovereignty period is essential for establishing the foundations of monotheistic education for children, which is shaped through their interactions with their environment, parents, and especially teachers.

Keywords: Child, Monotheistic Education, Sovereignty Period, Preschool

1. M.A. Graduate in Educational Psychology, Qom University, Qom, Iran.

f.salimi7073@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Qom University, Qom, Iran
(Corresponding Author).

bahrami837@gmail.com

واکاوی تجارب زیسته مربیان مراکز پیش دبستانی از فرایندهای جاری ابعاد تربیت توحیدی در دوره سیادت

فاطمه سلیمی^۱

سوسن بهرامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

Doi: 10.30497/esi.2025.246804.1821

چکیده

هدف پژوهش حاضر، واکاوی فرایندهای جاری ابعاد تربیت توحیدی در مراکز پیش دبستانی بود. این پژوهش درزمره مطالعات کیفی قرار دارد، با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است و جامعه آماری آن را مربیان پیش دبستانی ناحیه چهار شهر قم تشکیل می دهند که سیزده نفر از ایشان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند با توجه به معیار اشباع داده ها و تکرار اطلاعات انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که چهارچوب آن براساس تحلیل محتوای ادبیات پژوهش بر مبنای سه بُعد شناختی، عاطفی و عملی تربیت توحیدی تدوین و برپایه نظرخواهی از سه متخصص تأیید شد. پس از انجام شدن مصاحبه، تحلیل داده ها توسط نرم افزار شانون و (20) MAXQDA صورت گرفت. یافته های پژوهش نشان می دهد در بُعد شناختی، مؤلفه های «استفاده از زبان و ادبیات متناسب با فهم کودک در معرفی خدا» و «الگوی حسنه بودن والدین و مربیان در رابطه با خدا برای کودک»، در بُعد عاطفی، مؤلفه های «پرورش و تقویت اشتیاق کودک به پرسشگری و کنجکاوی» و «تأثیر محبت والدین و مربیان بر رابطه کودکان با خدا»، و در بُعد عملی، مؤلفه «تناسب فعالیت های عملی با امیال و آزادی کودک»، بیشترین کاربرد را داشته اند. دوره سیادت، زمان تشکیل مبانی و بنیان های تربیت توحیدی در کودک است که از طریق ارتباط با اطرافیان، محیط، والدین و به ویژه مربیان تحقق می یابد.

واژگان کلیدی: کودک، تربیت توحیدی، دوره سیادت، پیش دبستانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

f.salimi7073@gmail.com

bahrami837@gmail.com

۱. دانش آموخته کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

هدف غایی از تربیت در اسلام، سوق دادن متربی به سوی کمال مطلق و قرب الهی است (مهدی زاده، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۶). انسان موجودی است که بهترین استعداد را برای رسیدن به کمال دارد و می تواند سیر صعودی را آغاز و در مسیر تکامل حقیقی حرکت کند و پس از پیمودن طریق حق به تدریج به کمال نهایی دست یابد (علیزاده، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۶). هدف از تربیت، پرورش یافتن انسان کامل به منظور دستیابی به مقام خلافت الهی و تبدیل شدن به مظهری برای صفات جمال و جلال خداوند متعال است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۲۴).

یکی از مسائل مهم در حوزه تعلیم و تربیت معاصر، تربیت توحیدی است. واژه «توحید» از ریشه «و ح د» گرفته شده که بر انفراد و یگانگی دلالت می کند و توحید در اسلام به معنای یکی بودن خدا و اعتقاد به یگانگی اوست (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص. ۵۶). اعتقاد حقیقی به توحید، مهم ترین و ضروری ترین موضوعی است که خداوند متعال در قرآن کریم به صورت گسترده درباره آن سخن گفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۲۳). برای تحقق یافتن تربیت توحیدی، تثبیت توحید در اندیشه و عمل ضرورت دارد و ایمان، موضعی مستلزم وجود سه عامل شناختی، عاطفی و رفتاری است (علم الهدی، ۱۳۸۳، ص. ۶۳)؛ بدان معنا که ابتدا به صورت شناختی (دانش، فهم و مهارت های تفکر) نمود می یابد، پس از آن بر نگرش ها و گرایش ها (احساس، انگیزش، قدردانی و ارزش گذاری) اثر می گذارد و در نهایت، خود را در رفتار و عمل (اعمال ارادی و هدف دار انسان) نشان می دهد. در این روند، ایمان باید از مسیرهای مختلف به فراگیران کمک کند تا به واسطه شناخت و اعتقاداتشان برای انجام دادن وظایف فردی و اجتماعی خویش رفتارهایی مناسب داشته باشند (قیصری گودرزی و سلحشوری، ۱۳۹۷، ص. ۱۰). مکتب مقدس اسلام، نگرش محدود و تک بعدی در حوزه تربیت توحیدی را بر نمی تابد. بُعد شناختی در قالب نظام اعتقادی برای آدمی به عنوان نقشه، مسیر را مشخص می کند. بُعد عاطفی، اوج رابطه با خداست و در مجموع، تجربه بندگی را شکل می دهد. بُعد عملی نیز از تعامل و ترکیب دو بُعد شناختی و عاطفی شکل می گیرد و فرد را به نوع متعالی زیستن، یعنی زندگانی موحدانه الزام می کند (نوذری، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۰). کودک با ذاتی خداجوی و پاک به این جهان قدم می گذارد؛ چنان که خالق یکتا می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (قرآن کریم، روم، ۳۰)؛ یعنی: «پس روی خود را متوجه آیین خالص خدا گردان. این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده. تغییر در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند»؛ اما با گذشت زمان، گرد نسیان بر ذات فطری خداجوی می‌نشیند. از سوی دیگر، برخی روش‌های تربیتی مانند تحمیل و تلقین هم به جای جان‌بخشیدن به این ذات الهی، حجابی بر آن می‌شوند و آن را دچار انحراف می‌کنند (قیصری گودرزی و سلحشوری، ۱۳۹۷).

در حدیثی گرانقدر از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ. فَإِنْ رَضِيتَ خَلَائِقَهُ لِاحِدٍ وَ عَشْرِينَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ. فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»؛ یعنی: «فرزند، هفت سال اول زندگی، سید و آقا، هفت سال دوم، عبد و فرمانبر، و هفت سال سوم، وزیر و مشاور است. از ۲۱ سالگی اگر از اخلاق و رفتار او راضی نبودید، او را تنبیه کنید که نزد خدا معذورید» (طبرسی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۲۲۲). راشد (۱۳۹۵) در مقاله‌ای دریافته هفت سال نخست، مهم‌ترین مرحله پرورش گفتاری، عقلی، اجتماعی و اخلاقی کودک است که پایه‌های سلامت روان او بر آن استواری می‌یابد. براساس سخنانی که از معصومان (ع) در دست داریم، کودک در این دوره، آقا و دارای آزادی زیاد است و تکلیف منظم و شاقی بر وی بار نمی‌شود. تربیت کودک باید در راستای فطرت توحیدی او و در مرتبه اول با تعلیم خداشناسی آغاز شود؛ همچنین تبیین صفات خداوند متعال و اصل معاد از دیگر امور ضروری‌ای هستند که وی باید در این دوران بیاموزد. برخی می‌پندارند مرحله سیادت به معنای رهاکردن کودک است؛ حال آنکه در واقع، چنین نیست و در این برهه، کودک دنیا را از ورای منافع فردی و تجارب شخصی خود می‌بیند و کشف می‌کند. دوران سیادت برای کودک، زمان شناخت غیرمستقیم جهان، اصول زندگی و روابط حاکم بر محیط اطراف اوست. کودک عمدتاً از طریق بازی و شادی به تجربه‌ی زندگی می‌پردازد؛ لذا وجود هرگونه مانع در برابر ابزار شناختی (اعم از بازی، آزمون و خطا و...) و کشف محیط به بروز نقص در شخصیت وی در دوران بعدی می‌انجامد (گربوانی، ۱۳۹۹). هفت سال نخست زندگی، مهم‌ترین مرحله پرورش گفتاری، عقلی، اجتماعی و اخلاقی کودک است که پایه‌های سلامت روانی او بر آن استوار می‌شود (راشد، ۱۳۹۵). در اصول تربیت دینی فرزندان از منظر قرآن و روایات، از بدو تولد تا هفت سالگی، یکی از اصول اساسی تربیت، تحریک پرسشگری

کودک است که در آن، از طریق توجه به علایق کودک و کمک به او برای یافتن پاسخ و همچنین پاسخ‌دادن به پرسش‌های کودک به‌زبانی ساده و قابل فهم اشاره می‌شود (عصاری، ۱۳۹۵). امیر مؤمنان (ع) فرموده‌اند: «و به‌درستی که قلب کودک مانند زمین بایری است که هرچه در آن کاشته شود، رشد می‌کند و [او آن را] می‌پذیرد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۰، نامه ۳۱)؛ بر این اساس، اگر تربیت کودک بر مبنای فطرت توحیدی او و در وهله نخست، با تعلیم توحید و خداشناسی آغاز شود، وی با اعتقادی درست و استوار به جامعه قدم خواهد گذاشت و تنها در این صورت، در برابر ایجاد شبهات مطرح‌شده از طرف افراد مغرض، دچار لغزش و گمراهی نخواهد شد؛ بلکه با بینش و ایمانی قوی، در عمل نیز فردی دین‌مدار و خدامحور خواهد بود (راشد، ۱۳۹۵). درواقع، تربیت توحیدی همانا آموزش منظم و مدونی است که در مسائلی همچون وجود خدا، حقیقت هستی و حیات، رابطه فرد با خالق و با دیگر افراد جامعه بشری، انسان را از اعتقاداتی بهره‌مند می‌کند (صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۰) و فعالیت‌های منظم و برنامه‌ریزی‌شده نهادهای آموزشی جامعه به‌منظور آموزش‌دهی بینش، منش و آموزه‌های دین به افراد را شامل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در عمل کردن به آن‌ها نیز مستحکم باشند (داوودی، ۱۳۸۶)؛ پس این‌گونه تربیت، تنها عرضه مجموعه‌ای از آموزه‌های دینی به کودکان نیست؛ بلکه مشخصاً عبارت از پرورش‌دهی نفوس انسانی و ساختن شخصیت الهی در وجود آن‌هاست (علوی، ۱۳۹۹). تربیت توحیدی، فرایندی تعاملی بین مربی و متربی به‌منظور زمینه‌سازی برای تکوین و تعالی فطرت انسان و تشکیل هویت متربیان در جهت قرب الهی و کسب فضیلت‌های لازم در همه ابعاد و مراتب حیات طیبه فردی و اجتماعی است (اشرفی سلطان‌احمدی، کیهان، ملکی آوارسین و یاری، ۱۴۰۰، ص. ۱۵).

در جامعه اسلامی با توجه به جایگاه ویژه ارزش‌های معنوی، تربیت توحیدی و دینی نسل جدید در رأس برنامه‌های تربیتی قرار گرفته و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۹۰، محور تربیت در مراکز تعلیم و تربیت به‌شمار آمده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۹). به‌رغم تلاش‌ها و هدف‌گذاری‌های نظام آموزشی، هنوز در این زمینه، کاستی‌های زیادی وجود دارد (حسینی، ۱۳۸۳)؛ از این روی، پربار کردن آموزش در دوره پیش‌دبستانی و تناسب آن با فطرت و ذات حق‌جوی کودک به‌عنوان پیش‌نیازی برای ورود کودکان به جامعه و مدرسه اهمیت چشمگیر دارد و مربیان

پیش‌دبستانی در زمینه آموزش مطلوب و شکل‌گیری ابعاد مختلف شخصیت و در نتیجه، استقرار و استحکام بنیان‌های توحیدی تربیت کودکان، نقشی مهم ایفا می‌کنند (یوسفی، فغانی، اسماعیل‌نژاد، رئیسی، بشام و حسین‌بر، ۱۴۰۱). اسلام، دینی آسان، شیرین، منطبق با فطرت انسان و موجب لطافت روح است. کودکان هنوز به دوره تفکر مذهبی نرسیده‌اند و ذهنشان قدرت کافی برای درک مسائل پیچیده را ندارد و از هر استدلالی برای اثبات وجود خدا برداشت‌های ساده، مطلق و غیرواقعی دارند (رجبی و احمدی نیاسر، ۱۳۹۷). در این راستا، محبت و مهرورزی به کودکان، تکریم آنان و عزت‌نفس دادن به ایشان، بازی با کودکان و تنوع فعالیت‌های صورت‌گرفته در ارتباط با آن‌ها، آزادی کودکان، تعامل و نشاط اجتماعی، نظم و انضباط فکری، تفکر عقلانی و پرسشگری، الگوگیری و آشنایی با احکام دین از شاخص‌های تربیتی متون دینی است (آقاجان و امامی کوپائی، ۱۴۰۳، ص. ۱۴۰).

در طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت دینی در دوره پیش‌دبستانی، محتوای آموزشی باید مبتنی بر آموزه‌های توحیدی باشد و یادگیری متناسب با علایق و توان جسمی و روحی کودکان از جانب مربی دارای شایستگی‌های اخلاقی، اعتقادی و حرفه‌ای در اختیارشان قرار گیرد (اشرفی سلطان‌احمدی، کیهان، ملکی آوارسین و یاری، ۱۴۰۰). در طراحی الگوی تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک در دوره سیادت براساس تعلیم اسلامی، والدین و مربیان باید با الگوگرفتن از معصومان (ع)، تربیت اعتقادی و اخلاقی کودکان را تحقق بخشند و این الگوها را نیز متناسب با سن، روحیات و وضعیت کودکان به دست دهند (نیکومنش، ایزدی، رفیعی شمس‌آبادی و وکیلی، ۱۳۹۹). در پی بررسی اصول تربیت فرزندان در قرآن و احادیث درمی‌یابیم والدین و مربیان باید متصف به فضایل اخلاقی باشند؛ زیرا کودک به علت برخورداری نبودن از شناخت و ارتباط کامل با والدین و شخصیت آن‌ها، از ایشان پیروی می‌کند و الگو می‌گیرد و این اصول در ضمیرش نهادینه می‌شوند (علوی، ۱۳۹۹).

پراز، جوهری و رضایی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان داده‌اند مربیان نباید در مسائل مربوط به حیات کودکان دخالت کنند؛ چون این عمل، نوعی سرکوب استعداد و رشد تلقی می‌شود. طهماسبی و غلامی (۱۳۹۸) در مقاله خود نشان داده‌اند هر قدر بیشتر، کودکان را با طبیعت روبه‌رو کنیم، بیشتر با زیبایی‌های آن آشنا خواهند شد و خواندن شعر و سرود، و قصه‌گویی برایشان حس زیبایی‌شناسی آن‌ها را تقویت می‌کند. موحّدی پارسا، جاویدی کلاته جعفرآبادی، شعبانی ورکی

و همت بناری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که برای تحقق بخشیدن یادگیری ضمنی و شهودی، و تأثیر چشمگیر الگو و پرورش عواطف در تربیت توحیدی کودکان در این دوره، عوامل مؤثر در تربیت توحیدی، به‌ویژه والدین و مربیان باید از طریق برقرارکردن ارتباط شایسته و نظارت مداوم بکوشند با فراهم کردن محیط سالم به کودکان کمک کنند. تهرانی فرجاد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای نشان داده است می‌توانیم تجربه‌های آیینی و دینی کودکان را با تداعی‌های لذت بخش و جذاب (اجرای برنامه‌های شاد در اعیاد دینی و میلاد ائمه اطهار) همراه کنیم و بر جنبه‌های لطف و رحمت الهی تأکید ورزیم. همت بناری (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای نتیجه گرفته است در آموزش معارف توحیدی، تنها به ذهن مخاطب نباید توجه کرد؛ بلکه عواطف کودک را نیز باید مدنظر قرار داد. ازدیدگاه این پژوهشگر، در تربیت توحیدی باید درکنار رویکرد عقل‌گرایانه و حکیمانه، از نیروی برانگیختگی عواطف نیز بهره جوییم تا مربی، هم‌زمان به‌صورت عاقلانه و عاشقانه در مسیر رشد پیش برود و اوج بگیرد. سوهانی (۱۳۹۶) در مقاله خود اذعان داشته کودک ذاتاً خداگراست و روش‌های مؤثر در تربیت کودک عبارت‌اند از: تشویق، الگوآفرینی، محبت‌ورزی، ایجاد بصیرت و آگاهی از انجام دادن کار، و قصه‌گویی. به‌عقیده این پژوهشگر، تنبیه با رعایت تمام شرایط آن را باید به‌عنوان آخرین راه‌حل به‌کار گرفت. وجدانی و آقایی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای دریافته‌اند مربی وظیفه‌ای مهم را درحوزه تشکیل اعتقادات، اخلاق و التزام عملی مربیان برعهده دارد. آنان معتقدند تحول مربی از درون، و انگیزش و عشق درونی بیش از هر چیز، لازمه تربیت توحیدی است. کریمیان‌پور و احمدی (۱۳۹۳) در مقاله خویش اذعان داشته‌اند که توجه به تربیت توحیدی در دوران پیش‌دبستانی، زمینه‌ساز تربیت در دیگر دوره‌هاست و درونی‌سازی آموزه‌های دینی در دوران بعدی را تسهیل می‌کند.

ازنظر این دو پژوهشگر، به‌دلیل قدرت زیاد الگوپذیری در این سن، والدین، مربیان و معلمان از عوامل اصلی در تربیت دینی کودکان به‌شمار می‌آیند. کماریه و نیهایا^۱ (۲۰۲۳) در تحقیقی دریافته‌اند تربیت دینی اسلامی برای شکل‌گیری شخصیت، بسیار مهم است. به‌عقیده آنان هدایت و راهنمایی، آموزه‌های دینی‌ای هستند که برای تحقق یافتن باور قلبی مردم به وجود خدا و دین، پیروی از دستورهای دینی در قالب عبادت و آراستگی به اخلاق والا طراحی شده‌اند. نورمالیه،

آریپین و نوردیانسیه^۱ (۲۰۲۳) نیز در پژوهشی نشان داده‌اند روش‌های یادگیری آموزه‌های اسلامی در مدارس استثنایی عبارت‌اند از: سخنرانی، تمرین، پرسش و پاسخ، نمایش و تمرین. تلفیق شادی و تقوا در وجود یک فرد از بروز رفتارهای مخرب، تهمت‌آمیز و زیان‌آور اجتماعی جلوگیری می‌کند و در ایجاد وحدت و یکپارچگی ملت در آینده، بسیار مؤثر است. در این راستا، با توجه به اهمیت چشمگیر هفت سال اول کودکی، حضور کودکان در مراکز پیش‌دستانی، و تأثیر شگرف آموزه‌ها و رفتار عملی مربیان بر تربیت و به‌ویژه تربیت توحیدی آنان، در پژوهش پیش‌روی، نحوه به‌کارگیری اصول تربیت توحیدی در این مراکز را واکاوی خواهیم کرد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت پدیده موردبررسی، پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی است، به‌لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها در زمره پژوهش‌های کیفی قرار دارد و در دو بخش انجام شده است: در بخش اول، از تحلیل محتوای قیاسی استفاده شده و سنجش یک نظریه با داده‌های موجود، مد نظر بوده است. رویکرد قیاسی، توسعه علم را از مسیر ابطال نظریه‌های پیشین پی می‌گیرد و در این روش، آزمون نظریه‌های پیشین در وضعیت جدید، مناسب‌ترین راه برای انجام دادن تحقیق‌های علمی است (مؤمنی راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۱۳۹۲). هدف از این رویکرد، اعتباربخشی به چهارچوب نظریه یا خود نظریه و گسترش‌دهی مفهومی آن است. تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار در مقایسه با دیگر روش‌های تحلیل محتوا فرایندی ساختارمندتر دارد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰)؛ بدین ترتیب، ابتدا اصول تربیت توحیدی و مؤلفه‌های آن از سند بالادستی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۹۰)، مقالات و کتب مرتبط با موضوع استخراج شد.

واحد تحلیل و ثبت پیام اصلی در این مطالعه، مضمون بود. روایی با استفاده از نظر استادان و انجام دادن تحلیل از سوی بیش از یک پژوهشگر تأیید شد و پایایی بین دو کدگذار برای مصاحبه‌های موردبررسی در پژوهش ۸۴/۳۶ درصد بود. با توجه به اینکه پایایی بیشتر از شصت درصد است، قابلیت پایایی کدگذاری‌ها تأیید می‌شود. در بخش دوم، از روش پدیدارشناسی توصیفی برای تبیین و کشف تجارب زیسته مربیان

پیش دبستانی استفاده شد. پدیدارشناسی، رویکردی توصیفی، تفسیری و بازاندیشی برای درک ذات و ماهیت تجارب زیسته افراد است که معمولاً از زبان خودشان روایت می شود (فراست خواه، ۱۴۰۳). در این راستا، هدف پژوهش حاضر، واکاوی فرایندهای جاری ابعاد تربیت توحیدی در دوره سیادت است و تربیت توحیدی به علت چندبعدی بودن باید عمیقاً واکاوی شود. توجه به تجارب افراد در ابعاد مکانی، زمانی و روابط انسانی اهمیت فراوان دارد و روش پدیدارشناسی توصیفی به عنوان بهترین راهبرد انتخاب شده است. پدیدارشناسی توصیفی، کمتر متکی به تفسیر محقق است و بیشتر با توصیف تجربیات شرکت کنندگان از پدیده سروکار دارد (اسمیت، ۱۳۹۵). این توصیف، آنچه را افراد تجربه کرده اند و نیز چگونگی کسب این تجربه ها را شامل می شود.

در پدیدارشناسی، محقق جوهره تجربه های بشری را درباره یک پدیده، آن گونه که مشارکت کنندگان در پژوهش توصیف کرده اند، شناسایی می کند (کرسول^۱، ۱۴۰۲). شرکت کنندگان در این پژوهش، مربیان شاغل در مراکز پیش دبستانی شهر قم بودند. انتخاب مراکز پیش دبستانی به صورت تصادفی ساده و از طریق قرعه کشی انجام شد و در هر پیش دبستانی، مربیان براساس نمونه گیری هدفمند^۲ انتخاب شدند. ملاک انتخاب، مربیانی بودند که حداقل سه سال سابقه کار در حوزه تعلیم و تربیت کودک داشتند. جمع آوری داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته به صورت فردی انجام شد و پس از رسیدن به اشباع داده پایان یافت. انتخاب حجم نمونه بر مبنای قاعده اشباع نظری صورت گرفت (بازرگان هرندی، ۱۴۰۰). در این مطالعه نیز در مصاحبه سیزدهم، اشباع نظری حاصل شد. در ادامه، به منظور اطمینان یافتن از یافته ها یک مصاحبه تکمیلی نیز صورت گرفت؛ اما اطلاعات جدیدی به دست نیامد و بنابراین، گردآوری اطلاعات متوقف و گزارش نویسی شروع شد.

-
1. Creswell
 2. Purposeful Stratified

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

عنوان	فراوانی	درصد	جنس	تعداد
زیر ۳۰ سال	۲	۱۵	زن	۱۳
سن				
۳۰ تا ۳۵ سال	۶	۴۶		
۳۵ سال به بالا	۵	۳۹		
تحصیلات				
کارشناسی	۱۰	۷۷		
کارشناسی ارشد	۳	۲۳		
۳ تا ۵ سال	۳	۲۳		
سابقه کار				
۵ تا ۱۰ سال	۷	۵۴		
۱۰ سال به بالا	۳	۲۳		

در فرایند مصاحبه، پرسش‌ها به صورت متوالی و به هم پیوسته طراحی شد و میانگین مدت زمان هر مصاحبه، ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. برای تحلیل از روش پنج مرحله‌ای جیورجی^۱ (۱۹۸۹) استفاده شد. در گام اول، مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان ضبط و ملاحظات اخلاقی^۲ در نظر گرفته شد. گام دوم در تحلیل داده‌ها مطالعه کلی توصیف به منظور دستیابی به حس کلی از متن مصاحبه بود و در این مرحله، کل متن مصاحبه‌ها بررسی شدند. گام سوم تفکیک واحدها همانا برآیند نهایی تحلیل پدیدارشناسی و تعیین معانی تجربه بود. متن مصاحبه‌ها به آنچه از نظر جیورجی، واحدهای معنا یا تمایز معنا خوانده می‌شود، تغییر یافت تا روابط معنادار هر مصاحبه با موضوع مصاحبه مشخص شود. در گام چهارم، تبدیل واحدهای معنایی به عبارات توصیفی از طریق تقلیل داده‌ها یا تبدیل واحدهای معنایی به عبارات مهم روان‌شناختی صورت گرفت؛ بدین شرح که جملات مهم و نکات کلیدی مشخص شدند و طبقه‌بندی و مقوله‌بندی اولیه انجام شد. در گام نهایی تحلیل داده‌ها، در ساختارهای خاص شناسایی شده در مرحله قبل بازاندیشی شد، اختلافات موجود در تجارب افراد حذف شدند، تنها بر ابعاد مشترک تجارب کلیه مشارکت‌کنندگان تمرکز شد و تحلیل ترکیبی صورت گرفت. طبقه‌بندی مضمون‌ها و زیرمضمون‌ها به صورت دقیق و براساس هدف پژوهش مشخص و تنظیم شد. بعد از انجام شدن

1. Giorgi

۲. از جمله اینکه اطلاعات آن‌ها به هیچ وجه فاش نخواهد شد و داده‌هایشان کاملاً محرمانه (بدون ذکر نام آنان) خواهد بود. یافته‌ها بعداً به سمع و نظر مشارکت‌کنندگان رسانده و تأییدشان گرفته شد.

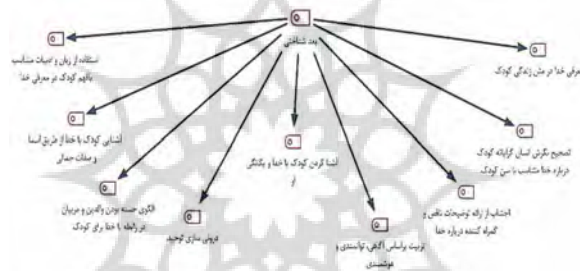
تحلیل محتوا، مصاحبه، استخراج کدهای به دست آمده از کتب و مقالات مربوط، و مشخص شدن فراوانی هریک از کدها، از روش آنتروپی شانون^۱ استفاده شد. توسط این روش، میزان توجه به اصول تربیت توحیدی استخراج و در پیش دبستانی های شهر قم بررسی شد؛ بدین ترتیب که ابتدا مؤلفه های تربیت توحیدی که از مطابقت سند بالادستی با مقالات و کتب مرتبط با موضوع استخراج شده بود، در نتایج مصاحبه با مربیان، چک لیست مشاهده کلاسی و دیدگاه های والدین ارزیابی و تحلیل شد و فراوانی مؤلفه ها به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، بر مبنای سه سؤال بنیادین در مقاله پیش روی، یافته‌ها به دست داده خواهند شد:

۱. سؤال اول پژوهش

تجارب و ادراک مربیان مراکز پیش‌دبستانی درباره فرایندهای جاری بعد شناختی تربیت توحیدی در دوره سیادت، چگونه قابل تبیین است؟



نمودار ۱. مؤلفه‌های بعد شناختی تربیت توحیدی (استخراج شده از تحلیل محتوا)

طبق آنچه در نمودار ۱ مشاهده می‌کنیم، از سند بالادستی، مقالات و کتب مرتبط با موضوع، نه مؤلفه در بُعد شناختی تربیت توحیدی استخراج شد: آشناکردن کودک با خدا و یگانگی او؛ آشنایی کودک با خدا از طریق اسما و صفات جمالی؛ تصحیح نگرش انسان‌گرایانه کودک درباره خدا متناسب با مقتضیات سنی او؛ اجتناب از ذکر توضیحات ناقص و گمراه‌کننده درباره خدا؛ استفاده از زبان و ادبیات متناسب با فهم کودک در معرفی خدا؛ الگوی حسنه بودن والدین و مربیان در رابطه با خدا برای کودک؛ تربیت کودک براساس آگاهی، توانمندی و هوشمندی؛ درونی‌سازی توحید؛ معرفی خدا در متن زندگی کودک.

جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها براساس مؤلفه‌های بُعد شناختی تربیت توحیدی

مؤلفه‌های شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
کد ۱. آشناکردن کودک با خدا و یگانگی او	۱۴	۱۳/۷۳
کد ۲. آشنایی کودک با خدا از طریق اسما و صفات جمالی	۱۷	۱۶/۶۷
کد ۳. تصحیح نگرش انسان‌گرایانه کودک درباره خدا متناسب با مقتضیات سنی او	۹	۸/۸۲
کد ۴. اجتناب از ذکر توضیحات ناقص و گمراه‌کننده درباره خدا	۲	۱/۹۶
کد ۵. استفاده از زبان و ادبیات متناسب با فهم کودک در معرفی خدا	۲۶	۲۵/۴۹
کد ۶. الگوی حسنه بودن والدین و مربیان در رابطه با خدا برای کودک	۱۹	۱۸/۶۳
کد ۷. تربیت کودک براساس آگاهی، توانمندی و هوشمندی	۹	۸/۸۲
کد ۸. درونی‌سازی توحید	۵	۴/۹۰
کد ۹. معرفی خدا در متن زندگی کودک	۱	۰/۹۸
جمع	۱۰۲	۱۰۰

براساس جدول ۲، مجموع فراوانی مؤلفه‌های بُعد شناختی تربیت توحیدی ۱۰۲ مورد است. از میان این مؤلفه‌ها «استفاده از زبان و ادبیات متناسب با فهم کودک در معرفی خدا» با ۲۵/۴۹ درصد و «الگوی حسنه بودن والدین و مربیان در رابطه با خدا برای کودک» با ۱۸/۶۳ درصد، پرکاربردترین مؤلفه‌های شناختی تربیت توحیدی هستند. مؤلفه‌های «اجتناب از ذکر توضیحات ناقص و گمراه‌کننده درباره خدا» و «معرفی خدا در متن زندگی کودک» به ترتیب با فراوانی ۱/۹۶ و ۰/۹۸ درصد، کمترین کاربرد را داشته‌اند.



نمودار ۲. مؤلفه‌های بُعد شناختی تربیت توحیدی

طبق نمودار ۲، در تحلیل و کدگذاری صورت گرفته در نرم‌افزار MAXQDA(20)، مؤلفه‌های «اجتناب از ذکر توضیحات ناقص و گمراه‌کننده درباره خدا» و «معرفی خدا در متن زندگی

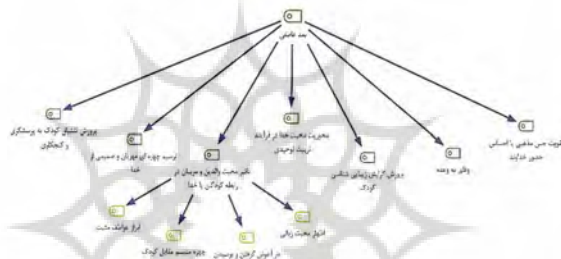
کودک» به دلیل استفاده حداقلی حذف شده‌اند؛ همچنین کدهای فرعی در برخی مؤلفه‌ها اضافه شده‌اند که از مصاحبه با مربیان استخراج شده‌اند. در مؤلفه «تربیت کودک براساس آگاهی، توانمندی و هوشمندی»، کدهای فرعی مانند «آگاهی از کودک و رشد روان‌شناختی او»، «آگاهی از آسیب‌ها و انحرافات تربیتی» و «آگاهی از اختلالات رفتاری و درمانی»، و در مؤلفه درونی‌سازی توحید، کد فرعی «عمل کیفی والدین و مربیان» اضافه شده است.

۲. سؤال دوم پژوهش

تجارب و ادراک مربیان مراکز پیش دبستانی درباره فرایندهای جاری بُعد عاطفی تربیت توحیدی در دوره سیادت، چگونه قابل تبیین است؟

نمودار ۳. مؤلفه‌های بُعد عاطفی تربیت توحیدی استخراج شده از تحلیل محتوا

همان گونه که نمودار ۳ نشان می‌دهد، در نتیجه تحلیل محتوای سند بالادستی، مقالات و

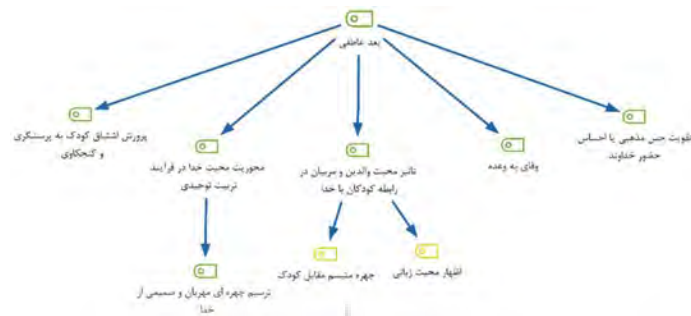


کتاب، هفت مؤلفه برای بُعد عاطفی تربیت توحیدی و چهار کد فرعی برای مؤلفه «تأثیر محبت والدین و مربیان بر رابطه کودکان با خدا» استخراج شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل شده از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها براساس مؤلفه‌های بُعد عاطفی تربیت توحیدی

مؤلفه‌های عاطفی	فراوانی	درصد فراوانی
کد ۱۰. محوریت محبت خدا در فرایند تربیت توحیدی	۶	۱۵/۳۸
کد ۱۱. ترسیم چهرهٔ مهربان و صمیمی از خدا در ذهن کودک	۳	۷/۷۰
کد ۱۲. پرورش و تقویت اشتیاق کودک به پرسشگری و کنجکاوی	۱۲	۳۰/۷۷
کد ۱۳. پرورش و تقویت گرایش زیبایی‌شناختی کودک	۱	۲/۵۶
کد ۱۴. تقویت حس مذهبی یا احساس حضور خدا	۳	۷/۶۹
کد ۱۵. تأثیر محبت والدین و مربیان بر رابطهٔ کودکان با خدا	۱۰	۲۵/۶۴
کد ۱۶. وفاکردن به وعده‌ها	۴	۱۰/۲۶
جمع	۳۹	۱۰۰

براساس جدول ۳، مجموع فراوانی مؤلفه‌های بُعد عاطفی تربیت توحیدی ۳۹ مورد است. ازمیان این مؤلفه‌ها «پرورش و تقویت اشتیاق کودک به پرسشگری و کنجکاوی» با ۳۰/۷۶ درصد و «تأثیر محبت والدین و مربیان بر رابطهٔ کودکان با خدا» با ۲۵/۶۴ درصد، پرکاربردترین مؤلفه‌های بُعد عاطفی تربیت توحیدی هستند.

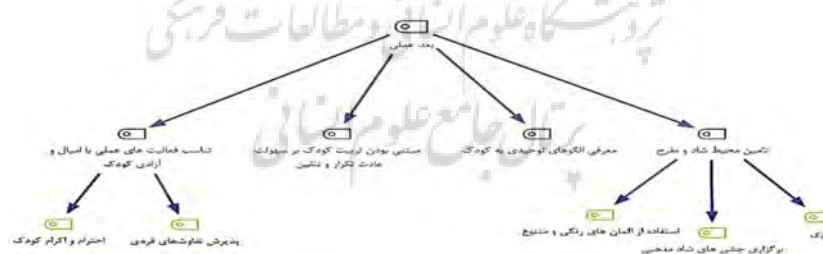


نمودار ۴. مؤلفه‌های بُعد عاطفی تربیت توحیدی

با توجه به نمودار ۴، در تحلیل مصاحبه‌ها تعدادی از مؤلفه‌های بُعد عاطفی تربیت توحیدی حذف شده‌اند؛ مانند: «پرورش و تقویت گرایش زیبایی‌شناختی کودک» و کدهای فرعی «درآغوش گرفتن»، «بوسیدن» و «ابراز عواطف مثبت»؛ همچنین مؤلفه «ترسیم چهرهٔ مهربان و صمیمی از خدا در ذهن کودک» به‌عنوان مؤلفهٔ فرعی «محوریت محبت خدا» در فرایند تربیت توحیدی جای گرفت.

۳. سؤال سوم پژوهش

تجارب و ادراک مربیان مراکز پیش‌دبستانی دربارهٔ فرایندهای جاری بُعد عملی تربیت توحیدی در دورهٔ سیادت، چگونه قابل تبیین است؟



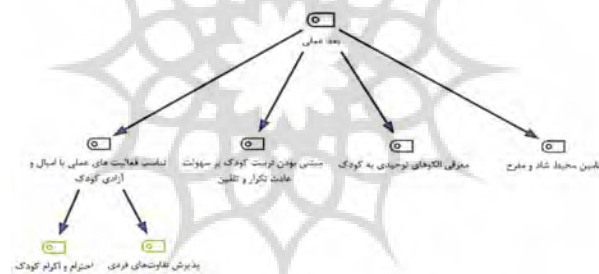
نمودار ۵. مؤلفه‌های بُعد عملی تربیت توحیدی استخراج‌شده از تحلیل محتوا

طبق نمودار ۵، برای بُعد عملی تربیت توحیدی، چهار مؤلفه اصلی و دو مؤلفه فرعی از منابع استخراج شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها

درصد فراوانی	فراوانی	مؤلفه‌های بُعد عملی تربیت توحیدی
۵۱/۲۲	۴۲	کد ۱۷. تناسب داشتن فعالیت‌های عملی با امیال و آزادی کودک
۱۷/۰۷	۱۴	کد ۱۸. مبتنی بودن تربیت عملی کودک بر اصول سهولت، عادت، تکرار و تلقین
۹/۷۶	۸	کد ۱۹. معرفی الگوهای توحیدی به کودکان
۲۱/۹۵	۱۸	کد ۲۰. تأمین محیط شاد و مفرح برای کودکان
۱۰۰	۸۲	جمع

براساس جدول ۴، مجموع فراوانی مؤلفه‌های بُعد عملی تربیت توحیدی ۸۲ مورد است. از میان این مؤلفه‌ها «تناسب داشتن فعالیت‌های عملی با امیال و آزادی کودک» با ۵۱/۲۱ درصد فراوانی، پرکاربردترین مؤلفه بُعد عملی تربیت توحیدی و «معرفی الگوهای توحیدی به کودکان» با ۹/۷۵ درصد فراوانی، کم‌کاربردترین مؤلفه این بُعد است.



نمودار ۶. مؤلفه‌های بُعد عملی تربیت توحیدی

برپایه نمودار ۶، تربیت توحیدی در بُعد عملی در مراکز پیش دبستانی مورد مطالعه، با چهار مؤلفه «تأمین محیط شاد و مفرح»، «معرفی الگوهای توحیدی به کودکان»، «مبتنی بودن تربیت عملی کودک بر اصول سهولت، عادت، تکرار و تلقین» و «تناسب داشتن فعالیت‌های عملی با امیال و آزادی کودک» انجام می‌شود؛ همچنین مواردی مانند «پذیرش تفاوت‌های فردی»، «احترام گزاردن به کودک و اکرام او»، «بازی»، «برگزار کردن جشن‌های شاد مذهبی» و «استفاده

از المان‌های رنگی و متنوع» از مؤلفه‌های فرعی پرکاربرد در این حوزه محسوب می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، فرایندهای جاری ابعاد تربیت توحیدی در مراکز پیش‌دبستانی را واکاوی و بررسی کردیم. نخستین آشنایی و مواجهه انسان با خدا در دوران کودکی واقع می‌شود. در هفت سال نخست زندگی، بنیان‌های روحی و شخصیتی انسان شکل می‌گیرد و زمینه ایجاد شالوده شخصیتی او در ادوار دیگر فراهم می‌آید. برقراری صحیح نخستین رویارویی فکری و عاطفی کودک با خدا در این دوره، پشتوانه‌ای محکم در مسیر شکل‌گیری شخصیت او و قدم برداشتن وی در طریق ربوبی شدن قلمداد می‌شود. اگر این رویارویی به‌درستی شکل نگیرد، زمینه‌ساز دوری انسان از خدا و شقاوت او خواهد شد.

برمبنای یافته‌های سؤال اول که درخصوص تجارب و ادراک مربیان مراکز پیش‌دبستانی درباره فرایندهای جاری بُعد شناختی تربیت توحیدی در دوره سیادت بود، می‌توان گفت استفاده از زبان و ادبیات متناسب با فهم کودک، بیشترین فراوانی را در میان مؤلفه‌های شناختی دارد. به‌کارگیری ادبیات لطیف و کودکانه در معرفی کردن خداوند متعال به کودکان، هنری است که مربی باید به آن آراسته باشد تا هنگام انتقال دادن معارف توحیدی به آنان زمینه انس و الفتشان با خالق یکتا را فراهم آورد. استفاده از کلمات دشوار و پیچیده‌ای که کودکان هیچ ذهنیت و تصویری از آن‌ها ندارند، باعث سردرگمی و حیرتشان می‌شود. برای انتقال دادن آموزه‌های توحیدی و ازجمله سخن گفتن درباره خدا به کودکان باید از زبان و ادبیات قابل فهم برای آن‌ها استفاده کرد. مؤلفه دوم از نظر فراوانی، «الگوی حسنه بودن والدین و مربیان در رابطه با خدا برای کودک» است که اهمیت عمل و رفتار والدین و مربیان را تأیید می‌کند که به‌مراتب اثرگذارتر از آموزش‌ها و مطالب مرتبط برای کودکان است. مؤلفه‌های «آشنایی کودک با خدا از طریق اسما و صفات جمالی»، «آشناکردن کودک با خدا و یگانگی او»، «تصحیح نگرش انسان‌گرایانه کودک درباره خدا متناسب با مقتضیات سنی او»، «تربیت کودک براساس آگاهی، توانمندی و هوشمندی» و «درونی‌سازی توحید» به‌ترتیب براساس فراوانی شان فهرست شده‌اند؛ همچنین کدهای فرعی در برخی مؤلفه‌ها اضافه شده‌اند که از مصاحبه با مربیان به‌دست آمده‌اند. در مؤلفه «تربیت کودک براساس آگاهی، توانمندی و هوشمندی»، کدهایی فرعی مانند «آگاهی

از کودک و رشد روان‌شناختی او»، «آگاهی از آسیب‌ها و انحرافات تربیتی» و «آگاهی از اختلالات رفتاری و درمانی»، و در مؤلفه «درونی‌سازی توحید»، کد فرعی «عمل کیفی والدین و مربیان» اضافه شده‌اند. نتایج تحقیق پیش‌روی با یافته‌های پژوهش‌های تأییدکننده این گزاره‌ها همسویی دارد: بهره‌بردن از وجود مربی دارای شایستگی اخلاقی، اعتقادی و حرفه‌ای، ضروری است (اشرفی سلطان‌احمدی، کیهان، ملکی آوارسین و یاری، ۱۴۰۰)؛ والدین و مربیان باید با الگوگرفتن از معصومان (ع) به تربیت اعتقادی و اخلاقی کودکان اهتمام ورزند (نیکومنش، ایزدی، رفیعی شمس‌آبادی و وکیلی، ۱۳۹۹)؛ مربیان باید متصف به فضایل اخلاقی باشند (علوی، ۱۳۹۹)؛ درکنار رویکرد عقل‌گرایانه و حکیمانه تربیت توحیدی باید از نیروی برانگیختگی عواطف نیز بهره جست (همت بناری، ۱۳۹۷)؛ روش‌های مؤثر در تربیت کودکان، شامل مواردی همچون تشویق و الگوآفرینی است (سوهانی، ۱۳۹۶)؛ وظیفه مهم مربی، شکل‌دادن اعتقادات، اخلاق و التزام عملی متربیان است (وجدانی و آقایی، ۱۳۹۶)؛ الگوپذیری چشمگیر در این سن از عوامل اصلی درحوزه تربیت دینی کودکان، والدین و مربیان به‌شمار می‌آید (کریمیان‌پور و احمدی، ۱۳۹۳)؛ تأکید بر الگوپذیری کودک و لزوم التزام مربیان به شایستگی اخلاقی، اعتقادی و حرفه‌ای (Komariah and Nihayah, 2023)؛ همچنین میان یافته‌های این مقاله با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، همسویی قابل توجهی را می‌توان مشاهده کرد.

متولیان تعلیم و تربیت باید شناختی صحیح برای کودک ایجاد کنند و از ذکر مسائلی که شرح و بسط آن‌ها او را گمراه و ذهنش را آشفته می‌کند، بپرهیزند. تربیت توحیدی، تنها انتقال‌دادن مجموعه‌ای از گزاره‌ها و آموزه‌های توحیدی به کودکان نیست؛ بلکه مشخصاً می‌توان آن را عبارت از پرورش‌دهی شخصیت‌هایی انسانی، و تلاش برای رشد و شکوفایی فطرت الهی آن‌ها دانست که قسمت عمده از این فرایند به‌صورت غیرکلامی و از طریق منش و شخصیت اخلاقی و توحیدی مربی تحقق می‌یابد؛ لذا هرگونه تندخویی، بداخلاقی و رفتار نادرست مربی موجب می‌شود کودکان نه تنها از وی، بلکه از محتوا و برنامه‌های آموزشی و تربیتی فاصله بگیرند؛ بنابراین باید همواره به این مسئله مهم توجه داشته باشیم و عمل و رفتار خود را در وهله نخست، برای کسب رضایت خداوند متعال و سپس درجهت آموزش و الگوگیری کودکان به‌صورت پاک و خالص درآوریم؛ علاوه بر آن، مربیان باید به‌خاطر داشته

باشند که کودک با فطرت حق‌گرا زاده می‌شود و ذاتاً با مفاهیم و رفتارهای دینی بیگانه نیست. او به خداشناسی و تبیین‌شدن مباحث توحیدی پربار و انتزاعی برایش نیازی ندارد. تربیت توحیدی، فرایندی اکتشافی و درونی است؛ بدان معنا که علاقه به خدا در ذات کودک وجود دارد. نهال توحید در دل کودکان کاشته شده و تنها کافی است مربیان به آبیاری این نهال توجه کنند، موانع موجود برسر راه آن را بردارند و زمینه‌ای را فراهم آورند تا کودکان به‌صورت خودجوش به ایمان و معرفت دست یابند. مربیان همان‌گونه که از دیگر مؤلفه‌های شناختی تربیت توحیدی استفاده می‌کنند، باید به معرفی خدا در متن زندگی کودک و درونی‌سازی توحید که فراوانی اندکی دارد، بیشتر اهتمام ورزند.

برپایه یافته‌های سؤال دوم درباره بررسی تجارب و ادراک مربیان مراکز پیش‌دبستانی درخصوص فرایندهای جاری بُعد عاطفی تربیت توحیدی در دوره سیادت می‌توان گفت پرورش و تقویت اشتیاق کودک به پرسشگری و کنجکاوی با بیشترین فراوانی، کاربرد زیاد و اهمیت‌دادن مربیان به این اصل بنیادین را نشان می‌دهد. مربیان باید این اصل را از طریق توجه به علاقه کودک و کمک‌کردن به او برای یافتن پاسخ و در مواردی پاسخ‌گویی به پرسش‌هایش به‌زبانی ساده و قابل فهم تحقق بخشند. «تأثیر محبت والدین و مربیان بر رابطه کودکان با خدا» پرکاربردترین مؤلفه بُعد عاطفی تربیت توحیدی به‌شمار می‌آید؛ زیرا اساس بُعد عاطفی تربیت توحیدی، محبت خداست که باید مربی آن را به‌گونه‌ای رقم بزند که در تجربه زیسته کودک و مفاهیم عینی، بیشتر نمود داشته باشد. در تحلیل مصاحبه‌ها تعدادی از مؤلفه‌های بُعد عاطفی تربیت توحیدی نظیر «پرورش و تقویت گرایش زیبایی‌شناختی کودک» و کدهای فرعی «درآغوش گرفتن»، «بوسیدن» و «ابراز عواطف مثبت» حذف شدند؛ همچنین تعدادی کدهای فرعی در برخی مؤلفه‌ها اضافه شدند و «ترسیم چهره مهربان و صمیمی از خدا در ذهن کودک» به‌عنوان مؤلفه فرعی ذیل «محوریت محبت خدا در فرایند تربیت توحیدی» جای گرفت.

نتایج تحقیق پیش‌روی در این بخش با یافته‌های پژوهش‌هایی که موارد ذیل را تأیید می‌کنند، همسویی دارد: تأکید بر تقویت حس زیبایی‌شناسی کودک (طهماسبی و غلامی، ۱۳۹۸)؛ ضرورت تأکید بر جنبه‌های لطف و رحمت الهی در تربیت کودک (تهرانی فرجاد، ۱۳۹۷)؛ توجه به عواطف کودک در آموزش‌دهی معارف توحیدی (همت بناری، ۱۳۹۷)؛ روش‌های مؤثر در تربیت کودک، مواردی همچون تشویق و محبت‌ورزی را شامل می‌شود (سوهانی، ۱۳۹۶)؛ همچنین سند تحول

بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) به سبب تأکید بر حس زیبایی شناسی، محبت ورزی و توجه به عواطف کودک، همسو با یافته های این مقاله است. کودکان به علت اندک بودن تجربی که در این دوره دارند، از درک صحیح و آشکار معانی و دلایل عقلی ناتوان اند و تنها محسوسات را درمی یابند؛ بر این اساس، وقتی آن ها به خدا می اندیشند، تصویری شبیه والدین و مربیان شان در ذهن آنان ایجاد می شود و از این روی، موضوع مورد بحث به دلیل اهمیت دوچندان آن باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد؛ به طوری که کودک چنان در محبت والدین و مربیان غرق شود که آن را چشمه ای از محبت خداوندی بداند و بتواند ذره ای از عظمت محبت و لطف الهی را درک کند. متولیان تعلیم و تربیت در این دوره باید تصویر خدای کودک را در ذهن او هرچه دوست داشتنی تر، مهربان تر و زیباتر بسازند تا وی خدا را دوست داشته باشد و از اینکه همه جا با اوست، احساس امنیت و آرامش کند.

بر اساس یافته های سؤال سوم درباره بررسی تجارب و ادراک مربیان مراکز پیش دبستانی در خصوص فرایندهای جاری بعد عملی تربیت توحیدی در دوره سیادت می توان گفت تناسب فعالیت های عملی با امیال و آزادی کودک (پذیرش تفاوت های فردی، احترام گزاردن به کودک و اکرام او)، بیشترین فراوانی را در میان مؤلفه های عملی دارد و بعد مؤلفه «تأمین محیط شاد و مفرح»، حائز اهمیت است. در تحلیل مصاحبه ها مؤلفه های اصلی بدون تغییر باقی ماندند و «بازی»، «برگزار کردن جشن های شاد مذهبی» و «استفاده از المان های رنگی و متنوع» به عنوان مؤلفه های فرعی ذیل مؤلفه «تأمین محیط شاد و مفرح» قرار گرفتند که مربیان در مصاحبه بر آن ها تأکید کردند. نتایج تحقیق پیش روی در این بخش با یافته های پژوهش هایی که موارد ذیل را نشان می دهند، همسویی دارد: مربیان نباید در مسائل مربوط به حیات کودکان دخالت کنند (پراز، جوهری و رضایی، ۱۳۹۹)؛ باید کودک را هرچه بیشتر با طبیعت خودش روبه رو کرد (طهماسبی و غلامی، ۱۳۹۸)؛ تجربه های آیینی و دینی کودکان باید با تداعی های لذت بخش و جذاب همراه شوند (تهرانی فرجاد، ۱۳۹۷)؛ توجه به تربیت توحیدی در دوره پیش دبستانی، زمینه ساز تربیت در دیگر دوره هاست (کریمیان پور و احمدی، ۱۳۹۳)؛ تلفیق شادی و تقوا در وجود یک فرد از بروز رفتارهای اجتماعی مخرب، تهمت آمیز و زیان آور جلوگیری می کند (Nurmaliyah, Aripin and Nurdiansyah, 2023)؛ همچنین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) به لحاظ تأکید بر درونی سازی آموزه های دینی، اعطای آزادی عمل به

کودکان و رویارویی هرچه بیشتر کودک با طبیعت خود، همسو با یافته‌های این مقاله است؛ بنابراین، طبق بُعد عملی تربیت توحیدی، تربیت باید با طبیعت کودک منطبق باشد؛ به دیگر سخن، تربیت توحیدی علاوه بر انطباق با فطرت کودک باید منطبق با طبیعت و غریزه او نیز باشد. برای توحیدی برآوردن کودکان نباید از غرایز خاکی، مادی و زمینی آن‌ها چشم پوشید و در برآوردن این دسته از نیازهایشان کوتاهی کرد؛ زیرا در صورت قصور در این حوزه، کودک با خودش درگیر و دچار دوگانگی شخصیتی می‌شود (گریوانی، ۱۳۹۹)؛ مثلاً وقتی برشی از زندگی حضرت علی (ع) را برای نشان دادن نوع رفتار ایشان با کودکان یتیم شرح می‌دهیم که چگونه آن حضرت چهار دست و پا می‌نشستند و کودکان را پشت خود سوار می‌کردند، این صحنه، درک کودکان از امیرالمؤمنین (ع) و علاقه آنان به ایشان را که متناسب به خداوند متعال است، ناگسستنی می‌کند و به مراتب سازنده‌تر از این است که مستقیماً درباره خدا و محبت الهی برایشان سخن بگوییم. در این حوزه، توجه به مؤلفه «مبتنی بودن تربیت عملی کودک بر اصول سهولت، عادت، تکرار و تلقین» اهمیت فراوان دارد؛ زیرا نباید تصور کنیم که کودک به دلیل برخورداری از فطرت توحیدی، یکباره توحیدی بار می‌آید؛ بلکه هر نکته و آموزشی را در هر زمان و مکانی می‌توان به او منتقل کرد. میل به خدا و پرستش او کم‌کم در وجود کودک شکوفا می‌شود و تدریجی بودن این مسئله، یک اصل قطعی تربیتی است. تاکنون، هیچ مربی دلسوز و صبوری صرفاً طبق آرزوهای خود، زمان عبور کودک از مراحل تعلیم و تربیت را تنظیم نمی‌کند و مربی را بدون توجه به اصول تربیت از مراحل قبلی نمی‌گذراند و به مراحل بعدی نمی‌رساند. پذیرش و تحمل مربیانی که به هر دلیلی در مراحل اولیه تربیتی متوقف مانده‌اند، لازمه عمل تربیتی است.

در پی جمع‌بندی یافته‌های این مطالعه درمی‌یابیم دوره سیادت کودک، زمان تشکیل شدن مبانی و بنیان‌های تربیت توحیدی مانند امنیت، اعتماد، محبت، تکریم و عزت نفس در وجود اوست که از طریق برقرار کردن ارتباط با اطرافیان، محیط، والدین و به ویژه مربیان محقق می‌شود. براساس برخی روایات، کودک تصور و ذهنیت خویش از ویژگی‌های رفتاری و شناختی والدین و مربیان را به خداوند متعال تعمیم می‌دهد و این تصویر ابتدایی در سیر تربیت توحیدی او نقشی چشمگیر دارد؛ بر همین اساس، خالق یکتا و پیشوایان الهی سفارش کرده‌اند که اشخاص مرتبط با کودک، مهربانی، خوش‌رویی و وفای به عهد را سرلوحه تمام کارهایشان قرار دهند.

با توجه به اینکه موضوع پژوهش پیش‌روی، بررسی فرایندهای جاری ابعاد تربیت توحیدی در مراکز پیش‌دبستانی است، تعمیم یافته‌های این تحقیق به دیگر مقاطع تحصیلی با محدودیت‌هایی مواجه است؛ بنابراین، به محققان حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی درخصوص فرایندهای جاری ابعاد تربیت توحیدی در دیگر مقاطع تحصیلی انجام دهند.

منابع

- قرآن کریم (مهدی الهی قمشه‌ای، مترجم) (چاپ ۶). تهران: رشیدی.
- نهج البلاغه (۱۳۸۰) (سید جعفر شهیدی، مترجم). تهران: جهاد دانشگاهی.
- آفاجان، مهسا؛ و امامی کوپائی، سمانه (۱۴۰۳). شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار معماری بر تربیت کودک، مبتنی بر رویکرد اسلامی: فضاهای آموزشی پیش‌دبستان. فصلنامه علوم تربیتی /ازدیدگاه اسلام، ۱۴(۲۵)، ۱۳۹-۱۷۱. قابل دسترسی در: https://esi.isu.ac.ir/?_action=article&keywords
- اسمیت، دیوید وود راف (۱۳۹۵). پدیدارشناسی (مسعود علیا، مترجم). تهران: ققنوس.
- اشرفی سلطان‌احمدی، زینب؛ کیهان، جواد؛ ملکی آوارسین، صادق؛ و یاری، جهانگیر (۱۴۰۰). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت دینی در دوره پیش‌دبستانی. نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت /اسلامی، ۵(۳۲)، ۷-۳۰. قابل دسترسی در: <https://sid.ir/paper/412099/fa>
- ایمان، محمدتقی؛ و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، ۳(۲)، ۱۵-۴۴. قابل دسترسی در: <https://www.sid.ir/paper/488226/fa>
- بازرگان هرندی، عباس (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: دیدآور.
- پراز، محمدرضا؛ جوهری، امیرمحمد؛ و رضایی، مسعود (۱۳۹۹). تربیت کودک از دیدگاه اسلام. پژوهش و مطالعات اسلامی، ۱۰(۱۶)، ۵۹-۶۹. قابل دسترسی در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1708347>
- تهرانی فرجاد، مسعود (۱۳۹۷). تربیت دینی، تنها انتقال اطلاعات دینی به کودک نیست! نشریه رشد آموزش پیش‌دبستانی، ۱۲(۳۶)، ۲۶-۲۷. قابل دسترسی در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1343833>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). توحید در قرآن. قم: اسراء.
- حسنی، محمد (۱۳۸۳). بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی. روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳۴(۲)، ۱۹۹-۲۲۴. قابل دسترسی در:

SID. <https://sid.ir/paper/55684/fa>

داوودی، محمد (۱۳۸۶). نقش معلم در تربیت دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
راشد، مریم (۱۳۹۵). کلیاتی بر تربیت دینی کودک. نشریه میراث طاهرا، ۳(۶)، ۶۲-۸۷. قابل دسترسی در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1369275>

رجبی، علی؛ و احمدی نیاسر، سمیرا (۱۳۹۷). تهدیدات تربیت دینی کودک و ارائه راهکارهای قرآنی و روایی. نشریه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، ۱۱(۱)، ۱-۷۵. قابل دسترسی در: <https://ensani.ir/fa/article/411645/>
سوهانی، عاطفه (۱۳۹۶). شیوه‌های تعمیق باورهای دینی کودکان. نشریه فلسفه و کودک، ۴(۱۶)، ۷۱-۸۶ قابل دسترسی در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1399661>

شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. صادق‌زاده قمصری، علی (۱۳۸۰). راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در بوته نقد تربیت اسلامی. مجموعه مقالات مرکز مطالعات اسلامی، ۲(۶)، ۷۰-۹۰.
طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۷). متن و ترجمه کتاب نفیس مکارم الأخلاق (محمدحسین رحیمیان، مترجم و نگارنده). قم: مؤمنین.

طهماسبی، سیامک؛ و غلامی، زینب (۱۳۹۸). نگرشی بر تربیت اسلامی کودکان پیش‌دبستانی. نشریه رشد آموزش پیش‌دبستانی، ۱۲(۴۱)، ۴-۳۶. قابل دسترسی در:

<https://www.magiran.com/paper/2121790>

عصاری، ابوالفضل (۱۳۹۵). اصول تربیت دینی فرزندان از منظر قرآن و روایات از بدو تولد تا هفت سالگی. نشریه پویش در آموزش علوم انسانی، ۲(۴)، ۳۵-۵۰. قابل دسترسی در:

<https://ensani.ir/fa/article/466190>

علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۳). جنسیت در تربیت اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی، ۱۰(۸)، ۵۹-۹۲. قابل دسترسی در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>

علوی، علی‌عدنان (۱۳۹۹). اصول تربیت فرزندان در قرآن و حدیث. نشریه مطالعات قرآن و علوم، ۴(۶)، ۸۹-۱۲۸. قابل دسترسی در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1810557>

علیزاده، مژده (۱۳۹۸). اصول و روش‌های تربیتی حضرت ابراهیم (ع) در مواجهه با منکران توحید. فصلنامه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱۳(۷)، ۱۳۵-۱۵۰. قابل دسترسی در:

https://esi.isu.ac.ir/article_75357.html

فراست‌خواه، مقصود (۱۴۰۳). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه گرانداد تئوری GTM (چاپ ۱۴). تهران: آگاه.

قیصری گودرزی، کیومرث؛ و سلحشوری، احمد (۱۳۹۷). اصول تربیت توحیدی در دوره کودکی

- (مرحله سیادت). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶(۴۰)، ۵-۳۷. قابل دسترسی در: <https://sid.ir/paper/243359/fa>
- کرسول، جان (۱۴۰۲). پویش کیفی و طرح پژوهش (حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، مترجمان). تهران: صفار.
- کریمیان پور، غفار؛ و احمدی، حمیرا (۱۳۹۳). تربیت دینی کودکان پیش دبستانی. رشد آموزش پیش دبستانی، ۵(۳)، ۱۴-۱۷. قابل دسترسی در: <https://www.magiran.com/paper/1248785>
- گریوانی، مسلم (۱۳۹۹). اصول و شیوه های تربیت توحیدی کودکان. قم: نشر جمال.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). معارف قرآن ۱: خداشناسی. قم: مؤسسه در راه حق.
- موحدی پارسا، فاطمه؛ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ شعبانی ورکی، بختیار؛ و همت بناری، علی (۱۳۹۸). تربیت اخلاقی کودکان در دوره سیادت از منظر اندیشمندان اسلامی. فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۴(۲۸)، ۷-۲۸. قابل دسترسی در: <https://www.sid.ir/paper/100688>
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج مقاله. اندیشه گیری تربیتی، ۴(۱۴)، ۱۸۷-۲۲۲. قابل دسترسی در: <https://ensani.ir/fa/article/337701>
- مهدی زاده، حسین (۱۳۸۱). کاوشی در ریشه قرآنی واژه «تربیت» و پیامدهای معنایی آن. معرفت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۱(۵۹)، ۱۰۴-۱۱۰. قابل دسترسی در: <https://www.sid.ir/paper/456913>
- نوذری، محمود (۱۳۹۰). بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی: رویکردی روان شناختی-دینی. کودک، نوجوان و رسانه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۲(۵)، ۱۴۶-۱۷۴. قابل دسترسی در: <https://www.sid.ir/paper/260441/fa>
- نیکومنش، اصغر؛ ایزدی، مهشید؛ رفیعی شمس آبادی، حجت الله؛ و وکیلی، نجمه (۱۳۹۹). طراحی الگوی تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک در دوره سیادت (هفت سال اول) براساس تعالیم اسلامی. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۷(۵۵)، ۱۴۵-۱۶۵. قابل دسترسی در: <https://www.sid.ir/paper/409539/fa>
- وجدانی، فاطمه؛ و آقایی، جواد (۱۳۹۶). نقش صبر مربی در فرایند تربیت دینی و راهکارهای تقویت آن. نشریه پژوهشنامه اخلاق، ۱۰(۳۶)، ۵-۲۹. قابل دسترسی در: <https://akhlagh.maaref.ac.ir>
- همت بناری، علی (۱۳۹۷). الگوی تربیت فرزند بر مبنای تحلیل و تفسیر سوره لقمان. نشریه آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، ۴(۲)، ۴۱-۶۰. قابل دسترسی در: <https://iued.ilam.ac.ir>
- یوسفی، مهری؛ فغانی، پروانه؛ اسماعیل نژاد، الهه؛ رئیس، یاسمن؛ باشام، عابده؛ و حسین بر،

زینب (۱۴۰۱). اهمیت تربیت مربی در دوره پیش دبستانی و تأثیر آن در آموزش. همایش

ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی، ۴(۴)، ۸۱۲-۸۲۰. قابل دسترسی

در: <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1911713>

Giorgi, A. (1989). One Type of Analysis of Descriptive Data: Procedures Involved in Following a Scientific Phenomenological Method. *Journal of Methods*, 1(3), 39-61.

Komariah, N.; and Nihayah, I. (2023). Improving the Personality Character of Students through Learning Islamic Religious Education. *At-Tadzkir: Islamic Education Journal*, 2(1), 65-77. DOI:

<https://doi.org/10.59373/attadzkir.v2i1.15>.

Nurmaliyah, Y.; Aripin, S.; and Nurdiansyah, N. M. (2023). Curriculum: Implementation of Islamic Religious Education Learning in Schools for Children with Special Needs. *International Journal of Islamic Thought and Humanities*, 2(1), 124-138. DOI: <https://doi.org/10.54298/ijith.v2i1.83>.

